



## جلوه‌هایی از تأثیر حدیث در دیوان کمال‌الدین اصفهانی

دکتر هوشمند دهقانی<sup>۱</sup>

دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز،

شیراز، ایران

دکتر شاهرخ محمدیگی<sup>۲</sup>

دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز،

شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۳۱ تیر ۱۳۹۹؛ تاریخ انتشار: ۱۱ شهریور ۱۳۹۹)  
سیری اجمالی در آثار منظوم و مثنوی فارسی، تأثیر عظیم و ریشه‌دار قرآن و حدیث را در آن نشان می‌دهد. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی از شاعرانی است که می‌توان در سحر بیان و کلام او، تأثیرپذیری از قرآن و حدیث را مشاهده نمود. این پژوهش با هدف بررسی و مطالعه شیوه‌های تأثیرپذیری کمال‌الدین از احادیث نبوی و قدسی صورت گرفته است. واکاوی اشعار کمال‌الدین این نتیجه را به دست می‌دهد که وی به‌گونه‌های مختلف از اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی-بنیادی، تلمیحی و چندسویه از احادیث بهره برده است؛ تا علاوه بر تبرک و تیمن به احادیث، هنرنمایی و فضل خود را نیز آشکار سازد و به کلام خود غنی و عمق بیشتری ببخشد.  
واژه‌های کلیدی: احادیث، نبوی، قدسی، تأثیرپذیری، کمال‌الدین اصفهانی.

<sup>۱</sup>E-mail: hooshmanddehghani2198@gmail.com

©(نویسنده مسؤول)

<sup>۲</sup>E-mail: shbeygi@rose.shirazu.ac.ir

## مقدمه

شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان، پس از قرن دوم هجری و آشنایی با دین اسلام، تحت تأثیر کلام الهی و سخنان پیامبر(ص) و معصومین علیهم‌السلام قرار گرفتند و به‌این‌ترتیب تحول عظیمی را در عرصه نظم و نثر ایجاد نمودند. آمیختگی فرهنگ غنی ایرانی با آموزه‌های دینی روزبه‌روز بیشتر شد تا اینکه در قرن‌های پنجم، ششم، هفتم و هشتم این تأثیرپذیری از قرآن و حدیث به اوج خود رسید. شاعران و نویسندگان براساس سبک و سیاق خود شیوه‌های متفاوتی را در بکارگیری احادیث، به نمایش گذاشته‌اند.

کمال‌الدین ابوالفضل اسماعیل بن ابومحمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانی، از قصیده‌سرایان معروف و شاعران بزرگ اواخر قرن ششم و ثلث اول قرن هفتم است. پدرش، جمال‌الدین از شعرای معروف قرن ششم بود و نخست شغل بازاری داشت و از دکان به مدرسه آمد و شاعری را پیشه خود ساخت. در علت شهرت کمال‌الدین به «خلاق‌المعانی»، دولت‌شاه گوید: «اما اکابر و شعرا کمال‌الدین اسماعیل را خلاق‌المعانی می‌گویند، چه در سخن او معانی دقیقه مضمیر است که بعد از چند نوبت که مطالعه رود ظاهر می‌شود.» (دولت‌شاه ۱۳۸۵، ۲۶۴)

تاریخ ولادت او به‌درستی معلوم نیست. «اما با شواهد و قراینی که در دست است تاریخ تقریبی ولادت وی را می‌توان تعیین کرد که حدود سال ۵۶۸ می‌شود. کمال‌الدین اصفهانی دوره وحشتناک حمله مغول را به‌تمامی درک کرد و به چشم خویش قتل عام مغول را به‌سال ۶۳۳ در اصفهان دید و خود دو سال بعد یعنی ۶۳۵ به‌دست مغولی کشته‌شد.» (بحرالعلوم ۱۳۴۸، مقدمه ۸)

با بررسی پیشینه این پژوهش، این حقیقت آشکار می‌گردد که محققین بسیاری به تأثیرپذیری شعرا و نویسندگان از قرآن و حدیث توجه داشته‌اند و این موضوع را در آثار آنان واکاوی کرده‌اند. از جمله تحقیقات به‌عمل‌آمده در این خصوص می‌توان کتاب‌های «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» از علی‌اصغر حلبی، «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» از سیدمحمد راستگو، «آیات و احادیث مثنوی» از فروزانفر، «فرهنگ مأثورات متون عرفانی» از باقر صدری‌نیا و ... را نام برد. پایان‌نامه‌های متعددی نیز در زمینه تأثیرپذیری شاعرانی چون نظامی، خاقانی، سعدی، مولوی، حافظ و ... نوشته شده‌است. همچنین می‌توان به مقاله‌هایی چون: «شیوه‌های تأثیرپذیری در شعر ناصرخسرو و نظامی» از سیده‌زهرا موسوی و محسن ذوالفقاری، «گونه‌های بازتاب احادیث نبوی در مثنوی» از حسین خالقی‌راد، «تجلی حدیث در شعر اخوان ثالث» و ... اشاره نمود. باین‌حال مقاله‌ای درخصوص تأثیرپذیری کمال‌الدین اصفهانی از احادیث، مشاهده نگردید.

هدف از نگارش مقاله حاضر، تبیین شیوه‌های اثرپذیری و گونه‌های بازتاب احادیث در شعر

کمال‌الدین اصفهانی است. رویکردهای اثرپذیری واژگانی (وام‌گیری، ترجمه، برآیندسازی)، اثرپذیری گزاره‌ای (اقتباس و حلّ و تحلیل)، اثرپذیری گزارشی (ترجمه و تفسیر)، تأثیرپذیری الهامی-بنیادی و تلمیح از مهم‌ترین گونه‌های بازتاب احادیث در شعر کمال‌الدین هستند. درخصوص تحلیل شعر وی باید گفت که خلاق‌المعانی ضمن تأثیر و الهام از احادیث، آنان را با خلاقیت خاص خود در گونه‌های برآیندسازی و الهامی-بنیادی به شیوه‌ای متمایز از دیگران به کار برده است. وی همچنین با تیمّن و تبرک به احادیث نبوی و قدسی، ضمن تزئین کلام خود، هنرنمایی و فضل خود را آشکار کرده است.

#### گونه‌های بازتاب احادیث:

کمال‌الدین اسماعیل نیز همچون دیگر شاعران قرن ششم از مفاهیم ناب قرآنی و کلام معصومین علیهم‌السلام در شعر خود بهره برده است. در این پژوهش شیوه‌های تأثیرپذیری وی از احادیث (نبوی، قدسی) مورد مطالعه قرار گرفته است. احادیث به کار رفته توسط کمال‌الدین، در گونه‌های اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی-بنیادی و تلمیحی نمود یافته است. نمونه‌های به کار رفته در دیوان کمال‌الدین:

#### اثر پذیری واژگانی

سید محمد راستگو در کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» شیوه‌های متعددی را برای بهره‌گیری شاعران و نویسندگان از آیات و احادیث ذکر کرده است. در جایی از کتاب، اثرپذیری واژگانی را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱- وام‌گیری (آوردن واژه یا ترکیب با همان ساختار بی‌هیچ دگرگونی) ۲- ترجمه (فارسی‌شده و برگردان‌شده واژه یا عبارت) ۳- برآیندسازی (آوردن واژه یا ترکیبی که برآیند و فرآورده‌ای از آیه یا حدیث باشد) (راستگو ۱۳۷۶، ۱۶-۱۸). با توجه به توضیحات ذکر شده، در این قسمت نمونه‌های تأثیرپذیری کمال‌الدین از شیوه اثرپذیری واژگانی را مطرح می‌کنیم.

#### ترجمه

سایه حقی و ما در آفتاب محتیم سایه‌ای بر ما فکن ای سایهات خورشید ۱۶۸

سایه حق، ترجمه واژه «ظِلُّ الله» است که کمال‌الدین به این حدیث نبوی نظر داشته است: «السلطان العادلُ ظِلُّ الله في الارض فاذا دخل احدكم بلدا ليس به سلطان عادل فلاقمّن به» سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است. اگر یکی از شما به شهری درآید که سلطان عادل در آن نیست، در آنجا اقامت نکند (پاینده ۱۳۸۲، ۳۷۶).

**وام گیری:**

دریای وحی را شده غواص، جبرئیل ۱۱۹ جوهر کلام حق و زبان تو جوهری  
 واژه جبرئیل، که نام فرشته وحی یا روح القدس است از این حدیث نبوی وام گرفته شده است: «رَأَيْتُ  
 جبرئیل عند سدرة المنتهی علیه ستّ مآته جناح نیش من ریشها التهادیل و الدرّ و الیاقوت» جبرئیل را در  
 سدرة المنتهی دیدم بر او ششصد بال بود و از پر او نقش‌های رنگارنگ و مروارید و یاقوت آویزان بود  
 (فروزانفر ۱۳۸۵، ۴۲۲).

آثار لطف تست که از باد روح کرد اعجاز کلک تست که سحر از بیان نمود ۲۶۸  
 واژه سحر، وام گرفته شده از این حدیث نبوی است: «انّ منّ الشعر لحکما و انّ منّ البیان لسحرا»  
 پاره‌ای از شعرها حکمت است و برخی از بیان‌ها سحرآمیز است (ابن بابویه ۱۳۷۶، ۴۹۵).  
 طوفان فتنه آمد از این ابر فتنه‌بار یارب چه فتنه‌هاست که گشتست آشکار ۵۴۲  
 واژه فتنه از این حدیث نبوی وام گرفته شده است: «الفتنة نائمة لعن الله من أيقظها» فتنه خوابیده است،  
 لعنت خدا بر کسی که آن را بیدار سازد (سیوطی ۱۴۲۹، ج ۲، ۶۶).

بر سر من چه نوشتست قضا که گرفتار به دست تو درم ۳۶۷  
 واژه قضا، وام گرفته شده از این حدیث نبوی است: «انّ الله إذا اراد انفاذا أمر سلب كل ذي لب لبه» وقتی  
 خداوند اراده کرد کاری تحقق یابد، عقل هر عاقلی را (موقتاً) از وی سلب می‌کند (تا مانع تحقق آن کار  
 نشود) و این حدیث به این صورت هم روایت شده است: «إذا أراد الله انفاذا قضائه و قدره سلب ذوی العقول  
 عقولهم حتّی یفقد فیهم قضاؤه و قدره فاذا مضى أمره ردّ الیهم عقولهم و وقعت الندامة» (فروزانفر ۱۳۸۵،  
 ۵۷)

در پیش تو به تیغ ببرم سر زبان گر زانکه باز پس نهد از ذوالفقار پای ۱۳۸  
 ذوالفقار که اشاره به شمشیر معروف مولا علی (ع) است از این حدیث نبوی وام گرفته شده است: «لا  
 فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» جوانمردی چون علی نیست و شمشیری چون ذوالفقار نیست  
 (فروزانفر ۱۳۸۵، ۲۹۰).

**برآیندسازی**

ای کرده خاک پای تو با عرش همسری ختم است بر کمال تو ختم پیمبری ۱۱۹  
 ختم پیمبری برآیندسازی شده برای خاتم الانبیاست که از حدیث زیر استفاده شده است:  
 حدیث نبوی: «مثلی و مثل الانبیاء قبلی کرجل بنی داراً فاکملها و احسنها آلا موضع لنته. فانا بموضع آنته

فی ختم الانبیا» نسبت من و سایر انبیای پیش از من بسان مردی است که خانه‌ای بنا نهد و آن را به سامان و پایان برد و به بهترین صورتی بیاراید. مگر خشتی از آن را که خالی مانده باشد. پس من حکم همان خشت دارم و در حسن ختام نبوت و نبوت بنایی است که مکمل آن منم (ماحوزی ۱۳۷۴، ۱۵۴).

در دست عقل نور مساعی تو چراغ بر کام نفس حکم مناهی تو لگام ۱۱۸  
چراغ عقل از این حدیث نبوی برآیندسازی شده است: «مثل العقل فی القلب کمثل السراج فی وسط البیت» عقل در دل همانند چراغ در میان خانه است (ابن بابویه ۱۳۸۰، ۹۸).

آثار لطف تست که از باد روح کرد اعجاز کلک تست که سحر از بیان نمود ۲۶۸  
شاد باش ای به سخن قدوه ارباب هنر که حرام است به جز بر قلمت سحر حلال ۵۰۵  
هم صریر قلمت ترجمه لفظ کرم هم صدای سخنت طیره ده سحر حلال ۷۶۷  
سحر حلال واژه‌ای است که از این حدیث نبوی برآیندسازی شده است: «انّ من الشعر لحکما و انّ منّ البیان لکسرا» پاره‌ای از شعرها حکمت است و برخی از بیان‌ها سحرآمیز است (ابن بابویه ۱۳۷۶، ۴۹۵).

#### اثرپذیری گزاره‌ای (اقتباس)

اقتباس در لغت به معنی گرفتن، اخذ کردن و نور و فروغ کسب کردن است. در اصطلاح ادبی آوردن آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از پیامبر اکرم (ص) در نظم و نثر است. با این شرط که با تلخیص و کاستن همراه باشد به ضرورت شعری نه به قصد تحریف. بنابراین این آرایه را نباید با درج اشتباه کرد. زیرا در درج عین آیه یا حدیث بدون تلخیص و کم کردن، درج می‌شود.

در این شیوه گوینده، عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بی‌هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریز و گزیری نیست در سخن خود جای می‌دهد. این‌گونه از بهره‌گیری با قصد و غرض‌هایی گوناگون انجام می‌پذیرد: تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنمایی و... (راستگو ۱۳۷۶، ۳۰).

ما خود که ایم تا به ثنای تو دم زنیم در معرض لعمرک و لولاک و الضحی ۱۲۲  
لولاک اقتباس است از حدیث قدسی: «لولا محمد (ص) ما خلقت الدنيا و الاخرة و لا السموات و الارض و لا الكرسي و لا اللوح و لا القلم و لا الجنة و لا النار و لولا محمد ما خلقتک یا آدم» اگر به خاطر محمد (ص) نبود دنیا و آخرت و آسمان‌ها و زمین، عرش و کرسی، لوح و قلم، بهشت و دوزخ و حتی تو را ای آدم نمی‌آفریدم (صدری‌نیا ۱۳۸۰، ۴۴۰).

زالالش رحیق و نباتش شکر نهال وی از سدره‌المنتهی ۳۷۵

واژه سدره‌المنتهی اقتباس است از حدیث نبوی: «فَلَمَّا بَلَغَ سَدْرَةَ الْمُنْتَهَى فَاَنْتَهَى إِلَى الْحُجْبِ فَقَالَ جِبْرِئِيلُ تَقَدَّمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ لِي أَنْ أُجُوزَ هَذَا الْمَكَانَ وَ لَوْ دَنَوْتُ أَنْ مَلَمَهُ لَأَحْتَرَقْتُ» هنگامی که در شب معراج (پیامبر و جبرئیل) به سدره‌المنتهی و به پایان حجاب‌ها رسیدند، جبرئیل گفت: ای رسول خدا بعد از این خودت به جلو قدم بردار زیرا من بیشتر از این نمی‌توانم جلو بروم و اگر به اندازه سرانگشتی جلو بروم، خواهم سوخت (صدری‌نیا ۱۳۸۰، ۴۲۳).

شیره انگور باشد هر دو اما نزد شرع باشد از ام‌الخبائث فرق تا نعم‌الادام ۴۳۸  
 واژه ام‌الخبائث اقتباس شده از متن این حدیث نبوی شریف است: «الْخَمْرُ جَمَاعًا لِأَنَّهَا وَأُمُّ الْخَبَائِثِ وَ مِفْتَاحُ الشَّرِّ» شراب، باعث همه گناهان، مادر پلیدی‌ها و کلید گشایش شرهاست (فروزانفر ۱۳۸۵، ۱۳۲).

مصطفی گفت که لا احصی و آنکه چو منی از سر جهل ستایشگر رحمان گردد ۱۲۷  
 مأخوذ از دعایی است که رسول خدا (ص) می‌گفت؛ از عایشه نقل است که شبی پیغمبر را در فراش ندیدم و به دنبال او رفتم. او را در مسجد برپا یافتیم. که می‌گفت: «إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ. لَا أُحْصِي ثَنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسَكَ» خدایا، از خشمت به رضایتت و از عقوبتت به عفتت و از تو به تو پناه می‌برم. من ثنای تو را نتوانم شمرد آنگونه که تو خود بر نفس خویش ثنا گفتی (متقی ۱۴۰۹، ج ۴، ۳۷).

ملک نصره‌الدین پناه ملوک که خورشید ملکی و ظل اله ۱۸۸  
 ظل الله، مقتبس از این حدیث نبوی است: «السُّلْطَانُ الْعَادِلُ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَإِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بِلْدَانٍ لَيْسَ بِهِ سُلْطَانٌ عَادِلٌ فَلَا يُقِيمَنَّ بِهِ» سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است، اگر یکی از شما به شهری درآید که سلطان عادل در آن نیست، در آنجا اقامت نکند (پاینده ۱۳۸۲، ۳۷۶).

در بیان تفاوت اقتباس و تضمین باید گفت، در اقتباس شاعر آیه یا حدیثی را برای مفهوم ذهنی خویش اخذ می‌کند و آن را مایه رونق و زینت کلام خود می‌گرداند، اما در تضمین آن را به‌عنوان تأیید بیت خود به‌کار می‌برد. بنابراین از نظر مفهوم با بیت مطابقت دارد. در اقتباس لازم نیست شاعر ذکر کند که آیه یا حدیث را از کجا آورده، اما در تضمین اگر شهرت نداشت باید به منبع و مأخذ خود اشاره کند. (زیبایی‌نژاد ۱۳۷۸، ۳۱)

#### اثرپذیری گزارشی

در این نوع اثرپذیری، گوینده مضمون آیه یا حدیثی را به دو شیوه ترجمه یا تفسیر به پارسی گزارش می‌کند (راستگو ۱۳۷۶، ۳۸).

در روش ترجمه، گوینده به‌صورت ترجمه لفظ به لفظ یا ترجمه آزاد از این شیوه بهره‌برداری می‌کند.

از خاک زر همی‌طلبی تا غنی شوی خود فقر مدقعست که نزدیک تو غناست ۱۳۲  
 نه فقر صورتی که بود هم‌عنان کفر بل فقر معنوی که بدو فخر انبیاست ۱۳۲  
 تو مفتخر به فقر و همه نسل آدمت در سایه لولا و بدانت افتخار نیست ۱۲۲

در این بیت‌ها، کمال‌الدین به شیوه ترجمه به مضمون این حدیث شریف نبوی نظر داشته‌است: «الفقرُ فخری و به افتخراً فقر مایه مباهات من است و به آن افتخار می‌کنم. صوفیان از این حدیث در کتاب‌های خود استفاده کرده‌اند و در سفینه‌البحار، طبع نجف، ج ۲، ص ۳۷۸ جزء احادیث نبوی ذکر شده و مؤلف الوؤلوالمرصوع ص ۵۵، به نقل از ابن تیمیه آن را از موضوعات می‌شمارد (فروزانفر ۱۳۸۵، ۱۰۴).

در خانه حقایق از آبی ز در درای آن در در مدینه علم است و مرتضاست ۱۳۶  
 مدینه علم ترجمه واژگانی است از این حدیث نبوی: «انا مدینه العلم و علی بابها. فمن أراد العلم فلیأتِ الباب» من شهر علمم و علی در آن است، پس کسی که خواهان علم است باید از آن وارد شود (سیوطی ۱۴۲۹، ج ۱، ۱۰۷).

سایه‌ای بر ما فکن ای سایه‌ات خورشید اثر ۱۶۸  
 سایه‌ای حق ترجمه‌ای از واژه «ظل‌الله» است.

تفسیر: همان‌طور که گفته شد، یکی دیگر از انواع اثرپذیری گزارشی، تفسیر است. در این نوع، شاعر یا نویسنده مفهوم آیه یا حدیث را بازمی‌گشاید، می‌گسترده و با شرح و بسط در سخن خود می‌آورد. برای نمونه کمال‌الدین در تفسیر حدیث نبوی: «حاسبوا أعمالکم قبل ان تُحاسبوا و زنوا انفسکم قبل ان تُوزنوا و موتوا قبل ان تموتوا.» به حساب اعمال خود رسیدگی کنید قبل از آنکه به حساب شما رسیدگی شود، نفس خود را محاسبه کنید قبل از آن که مورد محاسبه قرارگیرد و بمیرید قبل از آن که میرانده شوید (فروزانفر ۱۳۸۵، ۳۷۰) گفته است:

چون هست بلای زندگی بیش از مرگ چندین چه کنی رنجه دل خویش از مرگ  
 گر زندگی این است میندیش از مرگ جهدی بکن و بمیر خود پیش از مرگ ۹۹۶

#### اثر پذیری الهامی - بنیادی

در این شیوه، گوینده مایه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیث الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد، و سخنی می‌پردازد که آشنایان، آن را با آیه یا حدیثی در پیوند می‌بینند؛ پیوندی گاه تا آنجا نزدیک و آشکار که سخن را ترجمه‌ای خیلی آزاد از آیه یا حدیث فرامی‌نماید (راستگو ۱۳۷۶، ۴۷).

برای نمونه کمال‌الدین در بیت‌های زیر به مفهوم خلقت پیامبر قبل از دیگر پیامبران به شیوه الهامی،

اشاره کرده است. در حدیث نبوی آمده است: «كنت نبيا و آدم بين الماء و الطين» من نبی بودم درحالیکه آدم بین آب و گل بود. «كنت نبيا و آدم بين الماء و الطين أو بين الروح و الجسد» من پیامبر بودم در وقتی که آدم میان روح و بدن بود. «كنت أوّل النبیین فی الخلق و آخرهم فی البعث» من اولین پیامبر در آفرینش و آخرین آنان در بعثت (شیرازی ۱۴۲۱، ۶۰۱).

گسترده در سرای نبوت بساط تو آدم هنوز رخت نیاورده از عدم نور تو پیش از آدم و سایه پس از رسل زان است نور و سایه ز پیش و پست به هم ۱۲۰ چل روز از آن سبب گل آدم سرشته شد تا قصر دین به خشت وجودت شود تمام ۱۱۹ و در این بیت‌ها به شیوه الهامی به مفهوم این حدیث نبوی توجه داشته است: «حاسبوا أعمالکم قبل ان تُحاسبوا و زنوا انفسکم قبل ان تُوزنوا و موتوا قبل ان تموتوا.» (فروزانفر ۱۳۸۵، ۳۷۰)

چنین نشسته بدینجات هم بنگذارند به اختیار خود از پیش لاجرم برخیز ۱۴۱ ناچار با تو مرگ کند دست در کنار خود را یکی ز بیهده‌ها برکنار گیر ۱۴۲ در این بیت‌ها نیز کمال‌الدین از مفهوم حدیث معروف «لولاک» الهام گرفته است. «لولاک لما خلقت الافلاک» (صدری نیا ۱۳۸۰، ۴۴۰) حدیث قدسی: «لولا محمد(ص) ما خلقت الدنيا و الاخره و لا السموات و الارض و لا الكرسي و لا اللوح و لا القلم و لا الجنة و لا النار و لو لا محمد ما خلقتک یا آدم» اگر به خاطر محمد(ص) نبود دنیا و آخرت و آسمان‌ها و زمین، عرش و کرسی، لوح و قلم، بهشت و دوزخ و حتی تو را ای آدم نمی‌آفریدم. (فروزانفر ۱۳۸۵، ۱۷۲)

چشم و چراغ هر دو جهانی و هر شبی تا روز ایستاده چو شمعی به یک قدم ۱۲۰ از راه تربیت پدر خلق عالمی وز ناز در زبان قضا نام تو یتیم ۱۲۱ گرچه شمار خلق جهان از عطای تست در عالم عطای تو رسم شمار نیست ۱۲۲ در این بیت نیز مفهوم حدیث «الفقر فخری و به افتخر» فقر مایه مباهات من است و به آن افتخار می‌کنم (فروزانفر ۱۳۸۵، ۱۰۴) به الهام گرفته شده است.

تو کرده از تواضع درویشی اختیار وز همت تو یافته دریا توانگری ۱۱۹

#### اثر پذیری تلمیحی

در این روش، گوینده سخن خود را بر پایه نکته‌ای قرآنی یا روایی بنا می‌نهد، اما به گونه‌ای آن را با نشانه و اشاره‌ای همراه می‌کند و اغلب به داستان یا موضوع مشخص و شناخته شده‌ای، اشاره می‌کند.

تلقین ذکر کرده گفت سنگریزه را انبار رزق کرده دلت ظل نیزه را ۱۲۱ در مصراع اول تسبیح سنگریزه از معجزه‌های مشهور حضرت رسول اکرم(ص) است و به چند صورت نقل شده که یکی این است: «عن ابی ذر قال کُنّا جُلوسا مع النَّبِیِّ (ص) فَأَخَذَ حَصْبَاتٍ فِی کَفِّهِ فَسَبَّحَنَ ثُمَّ وَضَعَهُنَّ فِی الْأَرْضِ فَسَكَّتْنَ ثُمَّ أَخَذَهُنَّ فَسَبَّحَنَ» از ابی‌ذر غفاری نقل می‌کنند که گفت ما با



پیغمبر(ص) نشسته بودیم و او چند سنگریزه در مشت گرفت و آنها تسبیح گفتند. سپس بر زمینشان نهاد و خاموش شدند. دیگر بار در مشت گرفت و آنها تسبیح گفتند (فروزانفر ۱۳۸۵، ۹۸).

شاعر در مصراع دوم از تلمیح بهره گرفته است؛ پیامبر خاتم صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیحی که امام احمد و طبرانی آن را روایت نموده‌اند چنین می‌فرماید: «بعثت بین یدی الساعة بالسيف حين يعبد الله وحده لا شريك له وجعل رزقي تحت ظل رمحي وجعل الذل والصغار على من خالف امری، ومن تشبه بقوم فهو منهم» من در نزدیک قیامت با شمشیر مبعوث گشته‌ام. تا آنکه خداوند متعال و یگانه بدون هیچ شریکی پرستش گردد و روزی من، زیر سایه نیزه‌ام گذاشته شده‌است. کسی که از دستورم سرباز زند، خواری و ذلت در انتظار اوست و کسی که (در دنیا) خود را با گروهی مشابه نمود (در قیامت) از آنها محسوب می‌گردد (آلبانی ۱۴۰۸، ۵۴۵).

صورت آدم به لطف وضع خود بنگاشته پس به قهر اهبطوا در خاکدان انداخته ۱۱۸

آدم، تلمیح است به داستان آفرینش آدم از خاک و تشریف «بیدی» که خداوند سبحان با دستان خویش گل وجود آدم را سرشت. شاعر در این بیت به این حدیث قدسی: «خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بِيَدِي أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» گل آدم را با دستان خویش در چهل بامداد سرشتم (فروزانفر ۱۳۸۵، ۴۹۰) نظر داشته‌است. مفسران در تفسیر بیدی، نوشته‌اند: مقصود خلقت آدم است به نفس خود و بدون واسطه.

احوال او نه بر حسب فهم آدم است معراج او و رای سلالیم فکرهاست ۱۳۶  
معراج، تلمیح است به ماجرای معراج حضرت رسول اکرم(ص) که جلوه و نمود بسیاری در آثار شاعران و نویسندگان فارسی داشته‌است.

تأثیرپذیری چند سویه:

در برخی بیت‌ها، کمال‌الدین همزمان از چند نوع تأثیرپذیری استفاده کرده‌است. مانند:

ز ساخت سرزنش دیده نهال سدره و طوبی ز حوضت در خوی خجالت ز آب کوثر و زمزم ۴۵۲

به نور شیب ابوبکر و مصحف عثمان به دره عمر و تیغ حیدر کرار ۲۴۳

تو برگزیده فارغ و آزاد از همه جایی که جبرئیل ندانست رهبری ۱۱۹

در بیت اول، تأثیرپذیری واژگانی و الهامی با آوردن واژه‌هایی چون سدره، طوبی، کوثر و زمزم در کنار یکدیگر به کار رفته‌اند. در بیت دوم شاعر با آوردن واژه «حیدر کرار» علاوه بر وام‌گیری واژگانی از تلمیح نیز استفاده کرده‌است. یکی از صفات‌های امام علی(ع) که نشان‌دهنده رشادت و سلحشوری این مرد بزرگ است، حیدر کرار است.

حدیث نبوی: «لِأَعْيُنِ الرَّايَةِ غَدَاً رَجُلًا يَحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ يَحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ كَرَّارًا غَيْرَ فَرَارٍ» فردا پرچم

را به مردی بسیار حمله‌کننده نه‌گریزنده دهم که خدا و رسولش را دوست می‌دارد و خدا و رسولش او را دوست می‌دارد (برزگر خالقی ۱۳۸۷، ۱۳۹). این حدیث اشاره به ماجرای غزوه خیبر دارد و رشادت‌ها و پهلوانی‌های حضرت علی (ع). در بیت سوم نیز واژه «جبرئیل» علاوه بر تلمیح به داستان معراج پیامبر (ص)، وام‌گیری واژگانی نیز دارد.

#### نتیجه‌گیری

پس از قرن دوم هجری، با نفوذ و گسترش اسلام در بین ایرانیان، شاعران و نویسندگان ایرانی تحت تأثیر مستقیم کلام الهی و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار گرفتند و در اشعار خود از این کلام‌های گهربار استفاده نمودند.

کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، از جمله شاعران قرن ششم هجری است که بسیار تحت تأثیر قرآن و حدیث بوده‌است. وی در اشعار خود با بهره‌گیری از احادیث نبوی و قدسی در ضمن آنکه کلامش را با این احادیث زیبایی و جمال داده‌است، فضل‌فروشی و هنر خود را نیز به رخ دیگر شاعران کشیده‌است. وی با این کار به کلام خود غنی و عمق بیشتری بخشیده‌است. تأثیرپذیری کمال‌الدین از احادیث به شیوه‌های اثرپذیری واژگانی در قالب وام‌گیری واژگانی، ترجمه و برآیندسازی، اثرپذیری گزاره‌ای در شیوه اقتباس و حل و تحلیل، اثرپذیری گزارشی در قالب ترجمه و تفسیر، اثرپذیری الهامی\_بنیادی، اثرپذیری تلمیحی و چند سویه، بوده‌است. در این میان اثرپذیری الهامی\_بنیادی و وام‌گیری واژگانی، بیشترین حجم را به خود اختصاص داده‌اند.

#### منابع و ارجاعات

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). *الامالی صدوق*، محمدباقر کمره‌ای. تهران، کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰). *علل الشرایع*، جلد ۱ و ۲، محمدجواد ذهنی‌تهرانی، قم، مؤمنین.
- آلبانی، محمد ناصرالدین (۱۴۰۸). *صحیح الجامع الصغیر*، جلد ۱، بیروت، المکتب الاسلامی.
- بحرالعلوم، حسین (۱۳۴۸). *دیوان ابوالفضل کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی*، تهران، دهخدا.
- برزگر خالقی، محمدرضا (۱۳۸۷). *شرح دیوان خاقانی*، تهران، زوآر.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش.
- حلبی، علی اصغر (بی‌تا). *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، تهران، اساطیر.
- دولت‌شاه بن بختیشاه (۱۳۸۵). *تذکره دولت‌شاه*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راستگو، سیدمحمد (۱۳۷۶). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران، سمت.
- زیبایی‌نژاد، مریم (۱۳۷۸). *تأثیر قرآن بر شعرای مشهور قرن ششم*. شیراز. دانشگاه شیراز. پایان‌نامه ارشد.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۲۹). *جامع الصغیر فی احادیث البشیر و النذیر*، جلد اول، بیروت، دارالفکر الطباعة والنشر والتوزیع.

- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۴۲۱). شرح اصول کافی. محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدری‌نیا، باقر (۱۳۸۰). فرهنگ مأثورات متون عرفانی، تهران، سخن.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۵). احادیث و قصص مثنوی، تهران، امیرکبیر.
- ماحوزی، مهدی (۱۳۷۴). شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، تهران، اساطیر.
- متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، حیانی بکری، سقا صفوه. بیروت.

## References

- Albani, Mohammad Nasseruddin (1987). *sahihul-jāme 'saghir*, Vol. 1, Beirut, the Islamic Office.
- Bahrulumi, Hussein (1969). *Divan-e Abolfazl Kamaluddin Ismail esfahāni*, Tehran, Dekhoda.
- Barzegar Khaleghi, Mohammad Reza (2008). *farhe divan-e xāqāni*, Tehran, Zavvar.
- Dolatsah Ibn Bakhtishah (2006). *tazkerat dolatshah*, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Forouzanfar, Badiuzzaman (2006). *ahādith wa qesas-e Masnavi*, Tehran, Amirkabir.
- Halabi, Ali Asghar (n.d.). *tasir-e Quran va Hadith dar adabiyāt-e fārsi*, Tehran, Asatir.
- Ibn Babawiyah, Muhammad Ibn Ali (1997). *al-amāli saduq*, Muhammad Bagher Kamarei. Tehran, Ketabchi.
- Ibn Babawiyah, Muhammad Ibn Ali (2001). *elalufarāye'*, Volumes 1 and 2, Mohammad Javad Zehni Tehrani, Qom, Mo'menin.
- Mahozī, Mehdi (1995). *farh-e maxzanulasrar Nezami Ganjavi*, Tehran, Asatir.
- Mottaqi, Ali ibn Hesam al-Din (1988). *Kanzul-ummāl fi Sunnan-e al-aqwāl wa al-afāl*, Hayyani Bakri, Saqa Safwa. Beirut.
- Payende, Abolghasem (2003). *nahjulfasāha*, Tehran, Donya-ye danesh.
- Rastgoo, Seyed Mohammad (1997) *tajali-ye Quran va Hadith dar fe'r-e fārsi*, Tehran, Samat.
- Sadrinia, Bagher (2001). *farhang-e masurāt-e mutun-e erfāni*, Tehran, Sokhan.
- Shirazi, Sadruddin Muhammad ibn Ibrahim (2000). *farh-e usul-e kāfi*. Mohammad Khajavi, Tehran, Institute of Cultural Studies and Research.
- Siouti, Abdul Rahman ibn Abibakr (2008). *jāme 'usaqire fi ahādith-el-bashire wa al-nazir*, Volume I, Beirut, Dar al-Fikr al-Taba'a wa Nashr al-Tuzi.
- Zibainejad, Maryam (1999). *tasir-e Quran bar fu'arāye mashhur-e qarn-e sefsum*. Senior Thesis. Shiraz University. Shiraz.

### HOW TO CITE THIS ARTICLE

Dehghani, H. & Mohammad Beigi, Sh. (2020). Manifestations of the Influence of Hadith in the Divan of Kamal al-Din Isfahani. *Language Art*, 5(3):55-66, Shiraz, Iran. [in Persian]

DOI: 10.22046/LA.2020.15

URL: <https://www.languageart.ir/index.php/LA/article/view/179>



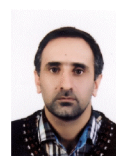


## ORIGINAL RESEARCH PAPER

### Manifestations of the Influence of Hadith in the Divan of Kamal al-Din Isfahani

**Hooshmand Dehghani<sup>1</sup>**

PhD of Persian Language and Literature Department,  
Shiraz University, Iran.



**Shahrokh Mohammad Beigi<sup>2</sup>**

Associate Professor of Persian Language and Literature Department,  
Shiraz University, Iran.



(Received: 21 April 2020; Accepted: 21 July 2020; Published: 01 September 2020)

A brief look at the works of Persian poetry and prose shows the great and deep-rooted influence of the Qur'an and Hadith in it. Kamal al-Din's Ismail Isfahani is one of the poets whose influence from the Qur'an and hadith can be seen in the dawn of his speech. This research has been done with the aim of studying the methods of Kamal al-Din being influenced by the prophetic and holy hadithes. An analysis of Kamal al-Din's poems concludes that he has used hadithes in various ways from the influence of words, propositions, reports, inspirational-fundamental, allusive and multifaceted; In addition to blessing and healing the hadithes, he should also reveal his art and grace and give more richness and depth to his words.

**Keywords:** Hadithes, Prophetic, Holy, Influence, Kamal al-Din Isfahani.

---

<sup>1</sup> E-mail: hooshmanddehghani2198@gmail.com © (Corresponding Author)

<sup>2</sup> E-mail: shbeygi@rose.shirazu.ac.ir